



❖ مناسبت : شبهای قدر

❖ موضوع : از امام خیالی تا امام واقعی

❖ عنوان : ذهن ها را باید شست، جور دیگر باید زیست

❖ پیام : برخی خیال میکنند تمام مشکلات جامعه رو باید ولایت یه تنه حل کند!

🔄 ماهیت بحث : بیشتر ما آدم ها یک امامی در ذهن خود درست کرده ایم که با امام واقعی تفاوت های زیادی دارد و با این امام خیالی زندگی میکنیم، لذا نمی توانیم با امام واقعی عالم ارتباط برقرار کنیم. شب های قدر بهترین فرصت برای اصلاح ذهنیت های غلط و آشنایی با امام واقعی بجای امام خیالی است.

### انگیزه سازی

محمود بن لبید می گوید:

پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، حضرت فاطمه علیه السلام بر سر مزار شهدا بخصوص حضرت حمزه، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، می رفت و در آنجا می گریست. روزی بر سر مزار حمزه رفته بودم حضرت زهرا را دیدم که در آنجا نشسته و گریه می کند. چیزی نگفتم تا اینکه ساکت شد. جلو رفته، سلام دادم و عرضه داشتم:

يَا سَيِّدَةَ السَّوَانِ قَدْ وَاللَّهِ قَطَعْتَ نِيَاطَ قَلْبِي مِنْ بُكَائِكَ

ای بانوی بانوان جهان! به خدا سوگند! رگهای قلبم از ناله های دلسوزت پاره گشت.

فرمود: ای ابو عمر! گریه سزاوار من است. من به مصیبت رحلت بهترین پدران که پیامبر خدا است گرفتار شده ام، ای وای که چقدر مشتاق دیدار رسول خدایم.

گفتم: يَا سَيِّدَتِي إِنِّي سَأَلْتُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ تَتَلَجَّحُ فِي صَدْرِي ؛ بانوی من! پرسشی دارم که در سینه ام موج می زند و می خواهم بپرسم. فرمود: سوال کن!

عرض کردم: هَلْ نَصَّ رَسُولُ اللَّهِ قَبْلَ وَفَاتِهِ عَلَيَّ بِالْإِمَامَةِ

آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از وفاتش درباره امامت علی مطلبی را به طور آشکار فرمود؟

حضرت زهرا سلام علیها فرمودند :

وَأَعْجَبًا أُنَسِيتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ حُجِّمٍ؛ جای تعجب است، مگر روز غدیر را فراموش کرده اید؟!

محمودبن لبید میگوید به حضرت عرض کردم :

فراموش نکرده ام ولی می خواهم آنچه را به طور سری به شما فرموده اند به من بگویید.

فرمود: خدا را شاهد می گیرم که از پیامبر خدا شنیدم که فرمود:

علی بهترین کسی است که در میان شما جانشین می گذارم، او پس از من امام شما است و دو نوه من و نه نوه از نسل حسین، امامان نیکوکارند. اگر از آنان پیروی کنید آنان را راهنمایان خود خواهید یافت و اگر با آنان دشمنی کنید، اختلاف تا روز قیامت از میان شما بر چیده نخواهد شد.

بعد از این عبارات ، محمودبن لبید سوالی رو از حضرت میپرسند که مقصود اصلی من امشب این سوال است. میگوید از حضرت پرسیدم:

يَا سَيِّدِي فَمَا بِالْهُ قَعَدَ عَنْ حَقِّهِ؟ ای بانوی من! پس چرا حق خویش را از غاصب ها نمی گیری؟

حضرت فرمود: ای ابو عمر! پیامبر خدا فرمود:

مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي عَلَيْهِ .

امام مانند کعبه ای است که به سوی او می روند و او به سوی مردم نمی رود.

#### اقتناع اندیشه

در شب ۱۹ بحثی رو خدمت شما مطرح کردیم با این عنوان که :

### #ذهن ها \_ را \_ باید \_ شست، جور\_ دیگر\_ باید \_ زیست!

پیرامون این مسئله که خدای خیالی ذهن ما با خدای واقعی تفاوت هایی دارد. عرض کردیم که بیشتر ما آدم ها یک خدایی در ذهن خود درست کرده ایم که با خدای واقعی تفاوت های زیادی دارد و با این خدای خیالی زندگی میکنیم، لذا نمی توانیم با خدای واقعی عالم ارتباط برقرار کنیم. شب های قدر بهترین فرصت برای اصلاح ذهنیت های غلط و آشنایی با خدای واقعی بجای خدای خیالی است.

امشب میخواهیم عرض کنیم همین ذهنیت ها و تصوراتی که ما از خدا برای خود درست کردیم، به همین منوال هم بعضا نسبت به امام وجود دارد.

بیشتر ما آدم ها یک امامی در ذهن خود درست کرده ایم که با امام واقعی تفاوت های زیادی دارد و با این امام خیالی زندگی میکنیم، لذا نمی توانیم با امام واقعی عالم ارتباط برقرار کنیم. شب های قدر بهترین فرصت برای اصلاح ذهنیت های غلط و آشنایی با امام واقعی بجای امام خیالی است.

چرا محمود بن لبید از حضرت زهرا می پرسد؛ اگر خلافت رسول خدا حق علی بود، پس چرا علی قیام نکرد برای گرفتن این حق بجنگد... چون محمود بن لبید هم امام خود را با انسان های پیرامون خودش مقایسه میکند. خوب هر آدمی که حقیقت گرفته شود باید برای حق خود قیام کند. مشکل اینجا است که ما امام را با تصورات ذهنی خودمان شناختیم. لذا امام واقعی رو نتونستیم خوب بشناسیم.

لذا همانگونه که باید نگاه خود را به خدا درست کنیم، باید نگاه خود را نسبت به امام خود هم عوض کنیم. امشب که امام واقعی این عالم را واسطه قرار میدهیم بین خود و خدا بهترین فرصت است که این امام واقعی را بشناسیم. و از این به بعد با این امام واقعی زندگی کنیم.

**#ذهن ها - را - باید - شست، جور- دیگر- باید - زیست!** اگر ما تصورات ذهنی خود را درست کنیم، زندگی ما وزیست ما هم مهدی پسند خواهد شد. اما امام واقعی با امام خیالی ذهن ما چه تفاوت هایی دارد:

\*امام خیالی ذهن ما به جای استفاده از ولایت، از دیکتاتوری برای مدیریت افراد و جامعه استفاده می کند:

یکی از مهم ترین عوامل مظلومیت امیرالمومنین که در چنین شیئی غریبانه به شهادت می رسد، این است که مردم از علی علیه السلام بجای ولایت توقع دیکتاتوری داشتند.

مقام ولایت علی، **مَثَلُ الْكَعْبَةِ اسْت** ؛ **إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تُأْتِي عَلَيْهِ** . هر کسی که می خواهد حج برود، به مکه میرود و دور خانه خدا میگردد و حج بجا می آورد. اما نمیشود کعبه رو برد تو شهرها و دور سر مردم چرخاند.

مقام ولایت، با دیکتاتوری جور در نیاید. مردم بعد از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که به عنوان نبی و فرستاده خدا قبول داشتند، نگاه کردند دیدن عده ای با دیکتاتوری و زور حکومت را دست گرفتند. جامعه ای که قبل از نبوت هم در دوران جاهلیت با زور و دیکتاتوری خو گرفته بودند، نتوانستند ولایت علی رو درک کنند و به جریان زورگو به راحتی تن دادند و با خود گفتند که خوب اگر خلافت حق علی بود، باید برای گرفتنش قیام میکرد و او هم از زور و دیکتاتوری استفاده می کرد.

حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه خود درباره این پذیرش دیکتاتوری از جانب مردم می فرمایند: **«أَبْشُرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ، وَ سَطْوَةِ مُعْتَدِ غَا شِمٍ، وَ بَهْرَجِ شَامِلٍ، وَ اسْتِبْدَادِ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيَبْغِيكُمْ زَهِيداً، وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً؛** و شادمان باشید به شمشیرهای برنده! و سلطه تجاوزگرانی ستمگر و خونخوار، و هرج و مرجی فراگیر، و حکومتی مستبد از ناحیه ظالمان، حکومتی که ثروت های شما را بر باد می دهد، و جمعیت شما را درو می کند!»<sup>۱</sup>.

بعد از این جملات، حضرت آیه ای را خواندند که حضرت نوح بعد از ۹۰۰ سال این جمله را گفته بود که ما مردم را مجبور به کاری نمی کنیم که میل به آن نداشته باشند: **أَنْزَلْنَاهُمْ مَكُوهًا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ**<sup>۲</sup> (نوح در پاسخ آنان - گفت: ای قوم شما که می گوئید من بشری چون شمایم و فرستاده خدا نیستم، به من خبر دهید اگر فرضاً از ناحیه پروردگار معجزه ای دال بر رسالتم

<sup>۱</sup> الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹

<sup>۲</sup> قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعَمَّيْتُ عَلَيْكُمْ أَنْ نَلْزِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ/ هود، ۲۸

داشته باشم، و او از ناحیه خودش رحمتی به من داده باشد که بر شما مخفی مانده، آیا من می توانم شما را به پذیرش آن مجبور سازم، هر چند که از آن کراهت داشته باشید؟)

یعنی علت اصلی غربت علی علیه السلام این بود که مردم از امام خود به جای ولایت توقع سلطنت داشتند. در حالی که امام باید با ولایت جامعه زمان خود را مدیریت کند.

سلطنت و دیکتاتوری بدون همراهی مردم می تواند جامعه را پیش ببرد، چون از عوامل مختلف غیر الهی استفاده میکند و به دنبال استعمار، استثمار و استحمار مردم است.

اما ولایت که مانند سلطنت عمل نمی کند. ولایت دنبال رشد و ارتقاء جامعه است. امام صادق علیه السلام می فرماید: **أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةٍ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجَوْرِ وَأَنَّ إِمَارَتَنَا بِالرَّقِّقِ وَالتَّأْلِيفِ وَالْوَقَارِ** <sup>۳</sup> (مگر نمی دانی که فرمانروائی دولت بنی امیه بزور شمشیر و فشار و ستم بود ولی فرمانروائی ما با نرمی و مهربانی و متانت است)

برخی خیال میکنند تمام مشکلات جامعه رو باید ولایت یه تنه حل کند! خب اینکه شدنی نیست. ولایت با مردم جامعه رو پیش می برد و مشکلات رو حل میکند. تفاوت ولایت با سلطنت در این است که ولایت جامعه رو با اتکاء به مردم پیش می برد.

و مهم ترین علت غربت ائمه علیهم السلام در طول تاریخ همین بود که مردم نمی فهمیدند ائمه نمی خواهند بر اونها سلطنت و دیکتاتوری داشته باشند. بلکه میخواهند جامعه خودش رشد کند و حرکت کند و جلو برود. و اقتضای اینگونه حرکت کردن ولایت این است که سلطنت بدون حضور و همراهی مردم هم می تواند با زور و دیکتاتوری حرکت کند. ولی ولایت با حضور مردم است که حرکت می کند و جامعه را جلو می برد.

چرا امیرالمومنین ۲۵ سال خانه نشینی را تحمل کرد؟ برای اینکه خود مردم باید به این نتیجه برسند که بیان دور وجود علی جمع بشوند و کمک کنند حکومت علوی شکل بگیرد. لذا وقتی اوامند حضرت فرمود:

**أَمَا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَهَا** <sup>۴</sup>

آگاه باشید! سوگند به خدایی که میان دانه را شکافت و از سان را آفرید، اگر نبود حضور حاضر و قیام حجت به خاطر وجود یاری کننده و اگر نبود عهد الهی که خدای تعالی از دانایان گرفته تا بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم را ضی نشوند هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم و آخر خلافت را به کاسه نخست آن آب می دادم.

<sup>۳</sup> الخصال، ج ۲، ص: ۲۵۵

<sup>۴</sup> نهج البلاغه (للصّحی صالح)، ص: ۵۰

چرا امام حسن علیه السلام صلح رو پذیرفت و به درون جامعه شیعیان رفت تا شیعیان را برای حرکت امام حسین آماده کند، چون جامعه مومنین از گرد وجود امام دور شدند. و ائمه سلطه گر و زور گو نبودند که به هر بهایی مهار شتر خلافت را در دست نگه دارند.

**فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ \* لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ** <sup>۵</sup> پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای! تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی!

چرا امام حسین در هر فرصتی می‌خواهد اصحابش را به بهانه‌ای مرخص کند؟ دائماً به آنها می‌گوید: آگاه باشید که اینجا آب و نانی نیست، قضیه خطر دارد. حتی در شب عاشورا با زبان خاصی با آنها صحبت می‌کند: من اصحابی از اصحاب خودم بهتر و اهل بیتهای از اهل بیت خودم فاضلتر سراغ ندارم. از همه‌ی شما تشکر می‌کنم، از همه تان ممنونم. اینها جز با من با کسی از شما کاری ندارند. شما اگر بخواهید بروید و آنها بدانند که شما خودتان را از این معرکه خارج می‌کنید، به احدی از شما کاری ندارند. اهل بیت من در این صحرا کسی را نمی‌شناختند، منطقه را بلد نیستند. هر فردی از شما با یکی از اهل بیت من خارج شود و برود. من اینجا خودم هستم تنها.

چرا؟ رهبری که می‌خواهد از ناراحتی و نارضایتی مردم استفاده کند که چنین حرفی نمی‌زند؛ همواره از تکلیف شرعی می‌گوید. البته تکلیف شرعی هم بود و امام حسین از گفتن آن نیز غفلت نکرد اما می‌خواست آن تکلیف شرعی را در نهایت آزادی و آگاهی انجام بدهند. خواست به آنها بگوید دشمن، شما را محصور نکرده، از ناحیه‌ی دشمن اجبار ندارد. اگر از تاریکی شب استفاده کنید و بروید، کسی مزاحمتان نمی‌شود. دوست هم شما را مجبور نمی‌کند. من بیعت خودم را از شما برداشتم. اگر فکر می‌کنید که مسأله‌ی بیعت برای شما تعهد و اجبار به وجود آورده است، بیعت را هم برداشتم. یعنی فقط انتخاب و آزادی. باید در نهایت آگاهی و آزادی و بدون اینکه کوچکترین احساس اجباری از ناحیه‌ی دشمن یا دوست بکنید، مرا انتخاب کنید.

این است که به شهدای کربلا ارزش می‌دهد و الا طارق بن زیاد در جنگ اسپانیا، وقتی که اسپانیا را فتح کرد و کشتیهای خود را از آن دماغه عبور داد، همینقدر که عبور داد، دستور داد که آذوقه به اندازه‌ی بیست و چهار ساعت نگه دارند و زیادتر از آن را هر چه هست آتش بزنند و کشتیها را هم آتش بزنند. بعد سربازان و افسران را جمع کرد، اشاره کرد به دریای عظیمی که در آنجا بود، گفت: **أَيُّهَا النَّاسُ!** دشمن روبروی شما و دریا پشت سر شماست. اگر بخواهید فرار کنید جز غرق شدن در دریا راه دیگری ندارید، کشتی‌ای دیگر وجود ندارد. غذا هم - اگر بخواهید تنبلی کنید - جز برای بیست و چهار ساعت ندارید، بعد از آن خواهید مرد. بنابراین نجات شما در زدن و از بین بردن دشمن است. غذای شما در چنگ دشمن است. راهی جز این ندارید. یعنی برایشان اجبار به وجود آورد. این سرباز اگر تا آخرین قطره‌ی خورش نجنگد، چه بکند؟

اما امام حسین با اصحاب خودش بر ضد طارق بن زیاد عمل کرد، نگفت: دشمن اینجاست، از این طرف بروید شما را از بین می برد، از آن طرف هم بروید شما را نابود می کند. بنابراین دیگر راهی نیست غیر از اینکه روغن چراغ ریخته را باید نذر امامزاده کرد. شما که به هر حال کشته می شوید؛ حالا که کشته می شوید، بیایید با من کشته شوید. آن گونه شهادت ارزش نداشت. یک سیاستمدار اینجور عمل می کند. گفت: نه دریا پشت سرت است و نه دشمن روبرویت، نه دوست تو را اجبار کرده است و نه دشمن، هر کدام را که می خواهی انتخاب کن؛ در نهایت آزادی.<sup>۶</sup>

نه اینکه بلد نباشند جوسازی کنند. خب امام حسینی که شب عاشورا بعد از آنکه اصحاب بیعت کردند، جای اصحاب رو در بهشت نشان داد، می توانست قبل از گرفتن بیعت و در طول مسیر مدینه تا کربلا اینچنین کند و بسیاری از مردم ساده لوح را با خود همراه کند. اما اینکار رو نمی کند، چون او مثل طارق بن زیاد نمی خواهد با جوسازی و دیکتاتوری کار را پیش ببرد.

برخی خیال میکردند که معاویه خیلی زرنگ تر از امام علی علیه السلام بود. و حتی هنوز هم در جامعه اسلامی امروز ما هم برخی خیال میکنند علی مثل معاویه زرنگ نبود و مکر و حيله بلد نبود.

نه اینکه ائمه بلد نباشند جامعه را با زور و دیکتاتوری مدیریت کنند، نه! بلکه بنا است با ولایت جامعه رو ارتقاء بدن نه با دیکتاتوری جامعه رو ضعیف و پست کنند.

امام علی علیه السلام فرمودند: **إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصَلِّحُكُمْ وَيُقِيمُ أَوْدَكُمْ وَ لَكِنِّي وَاللَّهِ لَا أُصَلِّحُكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي وَ لَكِنِ أَمَهْلُونِي قَلِيلًا فَكَأَنَّكُمْ وَاللَّهِ بِأَمْرِي قَدْ جَاءَكُمْ يَحْرِمُكُمْ وَ يَعَذِّبُكُمْ فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ كَمَا يَعَذِّبُكُمْ إِنْ مِنْ ذَلِ الْمُسْلِمِينَ وَ هَلَاكَ الدِّينَ أَنْ ابْنَ أَبِي سَفْيَانَ يَدْعُو الْأَرَاذِلَ وَ الْأَشْرَارَ فَيَجَابُ وَ أَدْعُوكُمْ وَ أَنْتُمْ الْأَفْضَلُونَ الْأَخْيَارُ فَتَرَاوَعُونَ وَ تُدَافِعُونَ مَا هَذَا بِفِعْلِ الْمُتَّقِينَ** (من به آنچه شما را اصلاح می کند و کجی تان را استوار می سازد، دانایم؛ ولی به خدا سوگند، شما را به بهای تباه ساختن خودم اصلاح نمی کنم! ولی اندکی مهلتم دهید. به خدا سوگند، کسی بر شما مسلط خواهد شد که محرومتان ساخته، عذابتان می کند و خدا هم او را عقوبت می کند، آن گونه که او شما را شکنجه می دهد. از ذلت مسلمانان و تباهی دین است که پسر ابو سفیان، فرومایگان و اشرار را فرا می خواند و پاسخ می شنود؛ ولی من شما شایستگان و نیکان را دعوت می کنم، طفره می روید و امروز و فردا می کنید! این، کار تقوا پیشگان نیست.)

#### پرورش احساس

ائمه هم می تونستند به مانند دیکتاتور ها از ابزار تزویر و تشویق و تهدید برای پیشبرد جامعه استفاده کنند. نه اینکه بلد نبودند. بلکه نمی خواستند دیکتاتوری کنند. مهم ترین فایده و ثمره مدیریت ولایتی از جانب ائمه رشد و ارتقاء عقل و فهم و شعور مردم جامعه است.

خود امیرالمومنین می فرماید فلسفه بعثت انبیاء: بیدار کردن عقل مردم است؛ **وَ يَثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُول!**

<sup>۶</sup> مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۱۷، ص: ۱۴۰

امام که به دنبال استحمار مردم جامعه خود نیست. بلکه میخواهد ما رشد کنیم و به جایی برسیم که خودمان دور وجود مهدی فاطمه جمع بشویم و حضرت رو برای برپایی جامعه مهدوی یاری کنیم.

این اتفاق قرار نیست با زر و زور دیکتاتوری رقم بخورد. قرار است با فهم خود ما مردم و شیعیان علی رقم بخورد! امشب که شب قدر است تمام مقدرات زندگی ما توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه، رقم خواهد خورد. چرا که خداوند متعال در چهارمین آیه سوره مبارکه قدر می فرماید: **تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ.**

فرشتگان و روح، در آن شب به دستور پروردگارشان با هر فرمانی (برای تقدیر هر کاری) فرود آیند. و فرودگاه این فرشتگان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان از ائمه علیهم السلام بودند.

لذا وقتی از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا شما می دانید که لیلَةُ الْقَدْرِ کدام شب است؟ حضرت فرمودند: چگونه ندانیم، و حال آن که در شب قدر فرشتگان برگرد ما طواف می کنند! إِنَّهُ لَا تَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُطِيفُونَ بِنَا فِيهَا.<sup>۷</sup>

فرشتگان و روح القدس، در شب قدر، بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نازل می شوند و آنچه را از مقدرات سالانه بشر، نوشته اند، به او تقدیم می دارند.

خب تو چنین شبی آدم ها دو جورند، دسته ای که مانند مردم زمان امیرالمومنین امام خود را نشناختند و از مهدی فاطمه توقع دارند که مشکلات جامعه رو خودش حل کند. لذا تو مراسم احیاء و شب قدر هم آگه امام زمان رو صدا می کنند و ایشان رو واسطه قرار میدهند فقط و فقط و فقط برای گرفتن حوائج شخصی خودشون هست. یعنی کاملاً منفعت طلبانه با امام زمان خود برخورد می کنند.

اما دسته دوم امثال شما عزیزانی هستید که می فهمید امام واقعی این عالم با مکانیزم ولایت جامعه رو اصلاح می کند. لذا تمام هم و غم تون این میشود که دور وجود ولایت جمع بشید. امشب بامعرفت های جلسه، موقع قرآن به سر گرفتن هی آقا رو صدا میزنند. چی شده؟ چرا هی امام زمان رو صدا میزنید؟ چیزی ارزش می خواهید؟

میگن: نه ما که خودمون چیزی نمی خواهیم! هی داریم مهدی فاطمه رو صدا میزنیم، که آقا حوائجش رو بگن، ما دعای مهدی فاطمه رو آمین بگیم.

**امشب علی غریبانه در بستر شهادت است. بچه های یتیمی که علی براشون پدر بود جمع شدند دور خانه علی! کاسه های شیر دست گرفتند که به امام خودشون کمک کنند.**

<sup>۷</sup> كشف الغمة في معرفة الأئمة، جلد ۲، صفحه ۱۴۰

امشب بیاید ما هم برای غربت علی کاری بکنیم! امشب می‌خواید علی رو از غربت دربیارید، پاشید بریم دور مهدی فاطمه بشینیم، مثل پروانه دور شمع ولایت جمع بشیم، بگیریم آقا ما که مدینه نبودیم گرد علی جمع بشیم، امشب می‌خوایم دور شمع ولایت شما جمع بشیم و برای تحقق ظهور شما کمک کنیم.

بالحجة الهی العفو.....